

باد کسری های خونین

www.ketab.ir

گردآوری و تدوین:

مصطفی شهریار



نشر پلاک عشق



اداره کل حفظ آثار
و نشر ارزشهای دفاع مقدس
استان بوشهر



کنگره سرداران و شهید
استان بوشهر

بادگیرهای خونین

سرشناسه: شهریاری، مصطفی، ۱۳۴۳-
عنوان و نام پدیدآور: بادگیرهای خونین/مصطفی شهریاری؛ ویراستار نسرین قاسمی؛ [برای] کنگره سرداران و
۲۰۰۰ شهید استان بوشهر، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان بوشهر.
مشخصات نشر: بوشهر: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (استان بوشهر)، سپاه امام صادق(ع)، مرکز حفظ آثار و
نشر ارزشهای دفاع مقدس، نشر پلاک عشق، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۲۳۰ص: مصور، جدول، عکس(رنگی).
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۲۱-۵۹-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: شهریاری، مصطفی، ۱۳۴۳- - خاطرات
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - خاطرات
موضوع: Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Personal narratives

شناسه افزوده: ستاد کنگره بزرگداشت سرداران و دو هزار شهید استان بوشهر
شناسه افزوده: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان بوشهر
شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (استان بوشهر)، سپاه امام صادق(ع)، مرکز حفظ آثار و نشر
ارزشهای دفاع مقدس. نشر پلاک عشق
رده بندی کنگره: DSR۱۶۲۹
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۴۸۴۹۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

نویسنده: مصطفی شهریاری
ویراستار: نسرین قاسمی
صفحه آرا: سمیرا نهنگی
طراح جلد: سعید سنجیده
ناشر: پلاک عشق
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
بخش اول	
۱۳	کودکی
۱۶	نقشه استعمار
۱۷	چوپانی
۱۹	مار منجی
۲۱	خبیر خوش
بخش دوم	
۲۳	ایثار مادر و تأثیر در سرنوشت
۲۵	نقش معلمان انقلابی در مدرسه
۲۷	اولین شهید استان بوشهر
۲۸	نقش آیت الله مهدوی در هدایت نیروهای انقلابی
۲۸	فعالیت‌های سیاسی
۲۹	تلاطم در فضای سیاسی و فرهنگی مدارس
بخش سوم	
۳۳	تحصیل و جنگ!
۳۴	دزدی آمده سنگی انداخته
۳۵	ابتکار تاریخی
۳۶	در آرزوی خط مقدم
۳۸	روز تنبیه دشمن
بخش چهارم	
۴۵	پوشیدن لباس رزم
۴۷	از کازرون تا زید
۵۰	اولین مشاهده آثار جنگ
۵۴	قصه اولین شب جبهه

۵۷	دومین روز استقرار در جبهه در سال ۱۳۶۱
۵۹	آشنایی با واحد بهداری در جبهه
۵۹	ارزش امدادگری
	بخش پنجم
۶۱	تنبيه دشمن در زبیدات
۶۸	قله تنبيه
۷۰	تیر بارچی مخلص
۷۴	سی سال بعد
	بخش ششم
۷۷	ناپدید شدن نگهبان کمین
۹۰	شوخی با هندوانه
۹۱	سقوط ماشین ها در دره
	بخش هفتم
۹۴	شرکت در عملیات بدر سال ۱۳۶۳
۱۰۱	بادگیر خونین
۱۰۴	نوحه خوانی آهنگران در نی زار
۱۰۴	حمام در ۳۰ ثانیه
۱۰۷	خبر تلخ
	بخش هشتم
۱۰۹	هلال احمر
۱۱۰	خدا حافظی مادر
	بخش نهم
۱۱۵	جنگ بی نظیر در تاریخ
۱۱۹	کوکا علی
۱۲۲	امداد غیبی
۱۲۳	رودخانه وحشی

مقدمه

باسمه تعالی

سر نی در نینوا می ماند اگر زینب نبود کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود جنگ شروع شده بود. تمام فضای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی کشور تحت تأثیر جنگ حالت عادی نداشت و بیشتر مایحتاج عمومی مردم کمیاب یا نایاب شده بود. مسئولان تازه کار و کم تجربه بر مسند حکومت بودند و استکبار جهانی که تمامی منافع خود را در ایران و در جریان پیروزی انقلاب اسلامی از دست داده بود، هر روز به توطئه های متعددی برای شکست جمهوری اسلامی متوسل می شد. آن گاه که در اجرای همه ی نقشه های ناکام ماند، رژیم بعث عراق را به تهاجم به مرزهای ایران، ترغیب نمود.

۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ یک باره آتش جنگ گسترده ای بر علیه انقلاب اسلامی آغاز گردید. ارتش عراق در چند ماه اول بیش از پانزده هزار کیلومتر از خاک کشور عزیزمان را اشغال و بسیاری از زیرساخت های اقتصادی و نظامی را تخریب نمود. ارتش ایران نیز در پی شکست رژیم پهلوی دچار مشکلات مدیریتی زیادی شده بود. بعضی از فرماندهان ارشد دوران طاغوت اعدام شده، یا به خارج از کشور فرار کرده بودند و کشور، آمادگی لازم برای جنگی به آن گستردگی را نداشت.

در این بحران شدید، امام خمینی (ره) اقدامی تاریخی انجام داد و با تشکیل شجره ی طیبه ی بسیج مستضعفین، اقشار مختلف مردم را به حمایت از نیروهای نظامی و انتظامی فراخواند و کمتر از شش ماه بعد از آغاز جنگ تحمیلی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با سازماندهی نیروهای مردمی در کنار ارتش جمهوری اسلامی به یک نیروی الهی مقتدر تبدیل شدند و پس از برکناری بنی صدر خائن (رئیس جمهور وقت) در یک عملیات بی نظیر، نخستین عملیات را به فرمان امام خمینی (ره) با نام تامن الائمہ انجام دادند که نتیجه آن، شکست حصر آبادان، پس از یازده ماه بود.

من دانش آموز بودم و در روزهای اولیه جنگ، بارها برای اعزام به جبهه به مراکز اعزام نیرو مراجعه نموده و ثبت نام می کردم که نهایتاً اواخر سال ۱۳۶۰ از طریق هلال احمر برازجان به جبهه اعزام شدم و تا پایان جنگ، در ده مرحله به جبهه رفتم و در مجموع به مدت سی و هشت ماه، افتخار پوشیدن لباس رزم را به صورت داوطلبانه داشتم.

تا آنجا که در بخش آبخش، جایگاه سوم اعزام به جبهه را دارا هستم و در این مدت، افتخار هم‌رزمی با نیروهای دلاور تخریب‌چی لشکر ۳۳ المهدی (عج) و ناوتیپ ۱۳ امیرالمؤمنین (ع) را دارم و بیش از چهارده ماه در گردان تخریب خدمت نموده‌ام. در مدت سی و هشت ماه جبهه، پنج بار مجروح شدم و بیش از بیست روز در بیمارستان‌های آبادان، اهواز، قم و بیمارستان‌های صحرایی سیدالشهدا و فاو بستری شدم. سه بار نیز تحت عمل جراحی قرار گرفتم و دو بار نیز بر اثر بمباران شیمیایی (مواد ترکیبی و دو عامل پوست و خفه‌کننده) مصدوم شدم و تاکنون تحت درمان هستم که اسناد و مدارک مربوطه در پایان کتاب آمده است.

از این دوران پرافتخار، خاطرات تلخ و شیرین زیادی را در ذهن دارم که بسیاری از آنان را در یادداشت‌های روزانه در ایام جنگ ثبت نموده‌ام و امروز بر خود فرض می‌دانم به دستور رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی) و فرمانده کل قوا، قلم به دست گرفته و نقش زینبی خود را بعد از دفاع مقدس در حد بضاعت ایفا نمایم.

مصطفی شهرباری

www.ketab.ir